

سبک‌شناسی دیوان اشعار اهلی شیرازی

پروانه بادینلو^۱، عبدالرضا مدرس‌زاده^{۱*}، اصغر دادبه^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

مهر ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۹، صص ۳۷-۵۵

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.7025

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: محمد بن یوسف اهلی شیرازی از شاعران قرن نهم و دهم هجری قمری است که شعر او با سبک عراقی همانندی دارد. او قطعاً از شاعران شیعی‌مذهب است که بارها در اشعارش به مدح و منقبت ائمه اطهار پرداخته است. بررسی سبک‌شناسانه شعر او بعنوان شاعری در پایان دوره سبک عراقی و آغاز سبک هندی، از نظر ادبی دارای اهمیت است. در این راستا هدف این پژوهش واکاوی شعر او در سه سطح زبانی، ادبی و فکری است.

روش مطالعه: در این پژوهش با استفاده از روش گردآوری اطلاعات «کتابخانه‌ای»، ابتدا دیوان اشعار اهلی شیرازی بدقت مطالعه شده و شواهد و نمونه‌های مناسب و موردنظر که شاخصه‌های سبکی شعر او را در سه سطح زبانی، ادبی، و فکری نشان می‌دهند، یادداشت شده است. در ادامه براساس روش توصیفی-تحلیلی، این شواهد مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است. لازم به ذکر است نسخه دیوان اهلی شیرازی به تصحیح حامد ربانی (۱۳۴۴) در این پژوهش اساس قرار گرفته است.

یافته‌ها: زبان شعری اهلی شیرازی ساده و روان است و ویژگیهای زبان کهن فارسی بندرت در آن دیده می‌شود. همچنین از کلمات عربی ثقیل و غیررایج در زبان فارسی، در شعر اهلی خبری نیست. از نظر ادبی نیز تشبیه بویژه تشبیه مفضل، تشبیه بلیغ و تشبیه تفضیل به ترتیب پرسامدترین فنون بلاغی در کلام اوست. در بخش صنایع لفظی نیز انواع جناس و واج‌آرایی در صدر قرار دارند. دیگر ویژگی شعر اهلی در لایه ادبی، تنوع بکارگیری فنون بلاغی است. همچنین «عشق» اصیلترین بنمایه او بویژه در غزلیات است. گاه نیز مضامین عرفان قلندری در اشعار او دیده می‌شود که بسامد قابل توجهی ندارد، اما گویای بُعدی دیگر از شخصیت و اندیشه‌های اوست. او در رباعیاتش به اندیشه خیامی نزدیک شده و به کوتاهی دنیا، اغتنام فرصت و شادباشی تأکید می‌ورزد. یکی از وجوه مهم دیگر شعر اهلی، پرداختن به مضامین شیعی و مدح و منقبت امامان شیعه یا سرودن مرثیه برای آنها بویژه در سوگ امام حسین (ع) و وقایع کربلا است.

نتیجه‌گیری: در مجموع میتوان گفت شعر اهلی شیرازی از حیث پرداختن به موضوعات و مضامین مختلف از عشق زمینی و معشوق مذکر گرفته تا اشعار سگیه، عرفان قلندری و مضامین مذهبی و شیعی و حوادث کربلا، قابل توجه است. همچنین زبان ساده و بلاغت واضح و بدور از پیچیدگی نیز از دیگر ویژگیهای سبک شعری اوست.

تاریخ دریافت: ۱۰ مهر ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۱۴ آبان ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۹ آبان ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۲ دی ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

اهلی شیرازی، دیوان شعر، سبک‌شناسی، ادبی، زبانی، فکری.

* نویسنده مسئول:

A.Modarres@iaukashan.ac.ir

۵۵۵۴۰۰۵۵ (۹۸ ۳۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of Ahli Shirazi’s Poems Divan

P. Badinloo, A. Modareszadeh*, A. Dadbeh

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 02 October 2022
 Reviewed: 05 November 2022
 Revised: 10 November 2022
 Accepted: 02 January 2023

KEYWORDS

Ahli Shirazi, poetry library, stylistics, literary, linguistic, intellectual

*Corresponding Author

✉ A.Modarres@iaukashan.ac.ir

☎ (+98 31) 5554 0055

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mohammad ibn Yusuf Ahli Shirazi is one of the poets of the 9th and 10th century AH whose poetry is similar to the Iraqi style. He is definitely one of the poets of the Shia religion, who has praised the imams of Athar many times in his poems. The stylistic analysis of his poetry as a poet at the end of the Iraqi style and the beginning of the Indian style is important from a literary point of view. In this regard, the aim of this research is to analyze his poetry on three levels: linguistic, literary and intellectual.

METHODOLOGY: In this research, using the "library" method of collecting information, firstly, the Divan of Ahli Shirazi's poems was carefully studied and appropriate and desired evidences and examples, which showed the stylistic features of his poetry in three levels: linguistic, literary, and they show an idea, it is noted. In the following, based on the descriptive-analytical method, these evidences have been analyzed. It should be noted that the version of Divan Ahli Shirazi corrected by Hamed Rabbani (1965) is the basis of this research.

FINDINGS: The poetic language of the Shirazi people is simple and fluent, and the characteristics of the old Persian language are rarely seen in it. Also, there is no mention of heavy and uncommon Arabic words in Persian language in Ahli's poetry. From a literary point of view, similes, especially detailed similes, eloquent similes, and eloquent similes are the most frequent rhetorical techniques in his words. Puns and phonemes are at the top in the verbal industry. Another characteristic of Ahli poetry in the literary layer is the diversity of using rhetorical techniques. Also, "love" is his main symbol, especially in his sonnets. Sometimes the themes of Qalandari's mysticism can be seen in his poems, which does not have a significant frequency, but it is another telling of his personality and thoughts. In his quatrains, he is close to Khayyami's thought and emphasizes the brevity of the world, seizing opportunities and happiness. One of the other important aspects of Ahli's poetry is dealing with Shia themes and praise and praise of Shia imams, or writing elegies for them, especially in the mourning of Imam Hussain and the events of Karbala.

CONCLUSION: In general, it can be said that Ahli Shirazi's poetry is significant in terms of dealing with various subjects and themes, from earthly love and male lover to Sagiye poems, Qalandari mysticism, religious and Shia themes, and the events of Karbala. Also, simple language and clear rhetoric, far from complexity, are other features of his poetic style.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.7025](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.7025)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 0	 0

مقدمه

محمد بن یوسف اهلی شیرازی یکی از شاعران نامی قرن نهم و نیمه اول قرن دهم هجری است که در حدود سال ۸۵۸ ه.ق در شیراز به دنیا آمده است. نام وی در تذکره‌های گوناگون «محمد» آمده و تخلص او در تمام اشعارش «اهلی» ذکر شده است. در خصوص این تخلص در مقدمه دیوانش آمده است که احتمالاً اهلی مقابل «وحشی» و به معنی رام و مأنوس یا شاید منسوب به اهل الله یا اهل بیت پیامبر اکرم (ص) باشد (مقدمه دیوان اهلی شیرازی، ربانی: ص ۱).

تردید نیست که اهلی پیرو مذهب شیعه دوازده‌امامی بوده و این امر در اشعار او کاملاً آشکار و مشخص است. ارادت او به امام حسین (ع) و احمد بن موسی الکاظم (شاهچراغ)، احتمالاً بواسطه شیرازی بودنش، بارها در اشعارش تکرار و نمایان شده است. از نظر تاریخی اهلی در عمر طولانی خود شاهد حکومت سلاطین بسیار بوده است؛ از جمله چند تن از سلاطین تیموری و تمام سلاطین آق قویونلو و قراقویونلو را درک کرده، تمام دوره سلطنت شاه اسماعیل را دیده و در دوازده سال سلطنت شاه طهماسب نیز در قید حیات بوده است (همان: ص ۴۴). اهلی در زمان شاه اسماعیل صفوی، اشعاری در مدح پیامبر و خاندان او سروده است. وی بخشی از عمر خود را در شیراز و بخش دیگر را در هرات گذرانده و زندگی خود را در فقر و تنگدستی بسر برده است. او در سرودن انواع قالبهای شعری تبحر داشته و در دیوان او علاوه بر غزل، قالبهای ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مقطعات، رباعیات، مخمس، مستزاد و معمیات را میتوان یافت. اهلی به سال ۹۴۲ ه.ق وفات یافته و آرامگاهش در جوار خواجه حافظ شیرازی قرار گرفته است. فرصت شیرازی درباره او میگوید: «از جمله عرفای صاحب‌جاه بوده است» (آثار عجم، ج ۲: ص ۷۸۹). او سیزده اثر به شرح ذیل از خود بجا گذاشته است: تحفه السلطان فی مناقب النعمان؛ ترجمه مواهب الشریعه به فارسی؛ دیوان شعر؛ رباعیات گنجفه؛ رساله عروض و قافیه؛ رساله معما؛ زبده الاخلاق؛ مثنوی سحر حلال؛ قصاید مصنوعه در مدح امیر علیشیر؛ سر الحقیقه؛ مجمع البحرین؛ مخزن المعانی؛ و شمع و پروانه که از مجموع این آثار، چهار اثر تحفه السلطان، شرح مواهب، مجمع البحرین و رساله معما در دسترس نیست. معروفترین اثر وی نیز مثنوی سحر حلال است.

در این پژوهش دیوان اشعار او از نظر زبانی، ادبی، و فکری مورد بررسی سبک‌شناسانه قرار میگیرد.

ضرورت و سابقه پژوهش

بر اساس جستجوی نگارندگان تا کنون پژوهشی به سبک‌شناسی دیوان اهلی شیرازی نپرداخته است؛ اما مقالاتی وجود دارند که شعر او را از زوایای دیگری مورد بررسی قرار داده‌اند که به برخی از آنها اشاره میشود: «تصویرهای هنری در اشعار عاشورایی اهلی شیرازی و بابافغانی شیرازی» عنوان مقاله‌ای است از پرواییان، نظری چروده و نگارش (۱۴۰۰) که مهمترین برآیند این پژوهش آشکار کردن شباهتها و تفاوت‌های ادبی مرثیه‌های این دو شاعر و شناخت دیدگاه آنان در مورد سیدالشهدا (ع) است. پورمند، خزایی و آزادبخت (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تغییر الگو در شعر و نقاشی عصر صفوی با تکیه بر اشعار اهلی شیرازی و نگاره‌های رضا عباسی»، معتقدند صور خیال در شعر و نگارگری ایرانی، از حیث آفرینش هنری و زیبایی‌شناسی و نیز از حیث بینشی، با یکدیگر پیوندی تنگاتنگ دارند و این پیوند وثیق، به سبب تأثیرپذیری نگارگری از مضمونهای گوناگون شعر و ادب پارسی است. بر این اساس برای بسیاری از بازیه‌های واژگانی، میتوان مصداق تصویری پیدا کرد؛ بر این مبنا، پرسش اصلی این پژوهش اینگونه طرح شده است که آیا نگارگران مکتب اصفهان به آیین‌داری آرایه‌های اشعار این دوره

پرداخته‌اند؟ نگارندگان معتقدند اهلی شیرازی یکی از شاعرانی است که شعرش در نقاشی عصر صفوی تأثیرگذار بوده است. مقاله «بررسی و توصیف حوادث کربلا در اشعار اهلی شیرازی» از نبی لوچهرقانی (۱۳۸۸) نیز بر مبنای بررسی اشعار کربلایی اهلی شکل گرفته است. همچنین شیرزاد مرکاوی و مولادوست (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی پدیده‌های اجتماعی در اشعار اهلی و وحشی (مطالعه موردی: بازی چوگان)» در پی شناسایی پدیده‌های اجتماعی از طریق رابطه ادبیات و جامعه بوده‌اند. هدف از این پژوهش بررسی بازتاب بازی چوگان در اشعار دو تن از شاعران عصر صفوی، اهلی شیرازی و وحشی بافقی، است. با توجه به این پیشینه، نگارندگان پژوهش حاضر بر آن شدند که دیوان اشعار اهلی شیرازی را از حیث سبک‌شناسی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی و واکاوی قرار دهند.

روش مطالعه

در این پژوهش با استفاده از روش گردآوری اطلاعات «کتابخانه‌ای»، ابتدا دیوان اشعار اهلی شیرازی بدقت مطالعه شده و شواهد و نمونه‌های مناسب و موردنظر، که شاخصه‌های سبکی شعر او را در سه سطح زبانی، ادبی، و فکری نشان می‌دهند، یادداشت شده است. در ادامه براساس روش توصیفی-تحلیلی، این شواهد مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است. لازم به ذکر است نسخه دیوان اهلی شیرازی به تصحیح حامد ربانی (۱۳۴۴) در این پژوهش اساس قرار گرفته است.

بحث و بررسی

دیوان اهلی در مجموع شامل یکصد و یک رباعی است که همه آنها نیز معروف است. مجموعه دیگر از رباعیات وی شامل رباعیات گنجفه، خطاب به ساقی سروده شده و به «ساقی‌نامه» معروف است. مجموعه دیگر رباعیات عادی و متداول است که تعداد آنها در نسخه چاپی دیوان وی ۶۳۶ رباعی است. او قصاید بسیاری نیز سروده که بعضی از آنها در ذکر مناقب پیامبر و امامان و مرثیه برای شهیدان کربلا و نیز توحید و حکمت است و بقیه در مدح پادشاهان، وزیران و بزرگان زمان اوست. غزلیات وی نیز زیاد و بالغ بر ۱۴۰۱ غزل است. دیوان اهلی بجز سه قصیده مصنوعش، بالغ بر ۱۴۷۳۵ بیت است. در ادامه به سبک‌شناسی شعر او در سه لایه زبانی، ادبی، و فکری پرداخته می‌شود.

سطح زبانی

در این سطح، زبان شعری اهلی از منظر آوایی، واژگانی، و نحوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. **تخفیف واج:** در زبان فارسی گاهی بعضی از حروف کلمات را میندازند و آن را سبک و کوتاه می‌کنند. این عمل را تخفیف و آن کلمات را مخفف مینامند. اهلی در بسیاری از موارد از کلمات مخفف استفاده کرده است. چند چراغ آه من عمر مرا تیه کند / روشنی جهان شود خانه من سیه کند (۱۷۲) / گر دیگران ز آتش خشم گریختند / ما همچو شمع تا دم مردن ستاده‌ایم (۳۱۸) / و نیز: گمرهی (۱)، بتر (۳۴)، مه، نگه، ره، پادشه (۴۴)، فسانه (۵۱)، خانقه (۱۷۳)، خموش (۱۹۲)، صیدگه (۲۸۳)، بیهده (۲۹۳)، سکندر (۳۱۰)، کوتاه‌نظر (۳۱۷)، برون (۳۴۴)، مهرزاد (۳۶۷)، فسرده (۳۷۹). **افزایش واج:** کلام اهلی اما در مورد افزایش واج دارای بسامد قابل توجهی نیست و بندرت در کلام او شاهد این فرایند واجی هستیم.

دور از رخ آن نازنین، اهلی ز آه آتشین نگذاشت یک گل در زمین، بر آسمان استاره هم (۳۳۳)
 یک سخن گفتمی و صد امید پیدا شد مرا کز نسیم این سخن بوی ارادت یافتم (۲۹۳)
انواع فعل: در دیوان اهلی انواع گوناگون فعل به کار رفته است، اما بسامد آن به ترتیب عبارت است از: فعل ساده، فعل شبه مرکب، فعل پیشوندی، فعل ناقص یا غیرشخصی، و عبارت فعلی. در ادامه برای هر یک از گونه‌های فعل در شعر او مثالهایی ذکر می‌گردد.

فعل ساده: هر سرو که برخاست منش لاله باغم کز داغ جوانی که من پیر ندارم (۳۳۰)
 و نیز: چشیدن، رهیدن، خریدن، کشیدن، پریدن، چیدن، طپیدن (۳۰۳)، دیدن (۳۰۸)، سوختن (۳۰۹)، مردن (۳۴۳)، گنجیدن (۳۵۱)، پرسیدن (۳۵۳)، غلطیدن (۳۵۸)، خوردن (۳۷۸)، نشاندن (۴۹۵)، لیسیدن (۵۴۵).
 فعل پیشوندی: چه کنم که درنگیرد به تو شمع، برق آهی که چو موم نرم سازد دل سختتر ز سندان (۳۴۴)
 و نیز: باز آمدن (۲۸)، فرورفتن (۴۶)، برخاستن (۴۷)، برآمدن (۱۴۸)، برافشاندن (۱۵۹)، برافروختن (۲۶۴)، درافتادن (۲۸۹)، درآمیختن، درآویختن (۳۱۰)، برچیدن (۳۴۵)، درباختن (۳۸۷).
 فعل شبه مرکب: (گمان بردن): ذکر دل گر میکنم، بر من گمان دل میر/من حدیثی با تو از روز سلامت میکنم (۳۲۹)

و نیز: خنده زدن (۲۸۸)، ظن بردن (۲۹۹)، دوست داشتن (۳۱۶)، سوگند دادن (۳۲۸)، حدیث کردن (۳۲۹)، تقصیر کردن (۳۳۰)، جان دادن، نشان دادن (۳۳۴)، صلا زدن (۳۳۶)، نگاه کردن (۳۵۳).
 عبارت فعلی: به گریه افتادن (۳۰۲)، از دست دادن (۳۷۳)، به خواب رفتن (۴۰۰).
 فعلهای شبه معین: گیرم که دل از یاد تو خرسند توان داشت/بی جان تن فرسوده نگه چند توان داشت (۶۹)
 و نیز: نتوان دید (۱۸۷)، نتوان بود (۱۹۲)، توان دادن (۳۳۴)، توان دیدن (۳۳۸).
 انواع فعل امر: در شعر اهلی شیرازی فعل امر به هر سه شیوه معمول زبان فارسی کهن به کار میرود:
 با «می»: تو اگر چو گل بسوزی دل صدهزار عاشق چه غمت بود ولیکن حذر از غرور میکن (۳۴۶)
 بدون «ب»: در صف میکده سجاده ننگجد ای شیخ بفرکن این بار غم از دوش و سبکبار نشین (۳۴۸)
 با «ب»: شاه حسنی یک نظر سوی گدای خود ببین ای سر من خاک پایت، زیر پای خود ببین (۳۴۸)
 حرف «ب» بر سر فعل ماضی: گاه در سخن اهلی، مطابق با دستور تاریخی زبان فارسی، حرف «ب» بر سر فعل ماضی آمده است:

با من سخن از هیچ مگوئید و مپرسید کز صفحه خاطر همه حرفی بستمدم (۲۹۳)
 در چاره مرهم به دل پاره بماندم از چاره‌گری بود که بیچاره بماندم (۳۲۳)
انواع جمع: در کلام این شاعر، انواع نشانه‌های جمع به کار رفته است و قابل ذکر است که بسامد نشانه‌های جمع فارسی بسیار بیشتر از جمع عربی مشاهده میشود؛ بطوری که براساس جستجوی نگارندگان، شاهی برای جمع با «ین» و «ون» عربی یافت نشد.

الف) نشانه‌های جمع فارسی: اهلی شیرازی انواع اسم ذات، اسم معنی، گیاهان، جانوران، مکانها و مانند آنها را با «ها» جمع بسته است، اما بسامد آن کمتر از جمع بستن با «ان» است.
 نشانه جمع «ها»: دلها، محفلها، مشکلهها، منزلهها، ساحلهها (۴)، خطرها (۱۵۰)، سودها، لطیفهها (۱۵۳)، خارها، کارها، آزارها، دیوارها (۱۹۳)، بهانهها (۲۸۲)، شبها (۲۹۰)، گلها (۳۱۰)، بیگانگیها (۳۴۷)، داغها (۳۵۶).
 نشانه جمع «ان»: اهلی معمولاً از این نشانه جمع برای جانداران بویژه اشخاص استفاده کرده است.

کافردلان (۱۹۷)، سوختگان (۲۸۷)، ترسایچگان، سیمبران، پسران، دگران، صاحب‌نظران (۲۸۹)، طفلان (۳۰۹)، مگسان (۳۱۶)، رقیبان، کسان، خسان (۳۱۷)، جوانان (۳۱۹)، حسودان (۳۲۲)، نازنینان، پادشاهان (۳۲۴)، خوبان (۳۳۴)، مریدان (۵۹۹)، نیکبختان (۶۹۶).

ب) نشانه‌های جمع عربی: براساس جستجوی نگارندگان، شاهی برای جمع با «ین» و «ون» عربی یافت نشد و نمونه‌های جمع مکسر نیز پرتکرار نیست و معمولاً جزو موارد رایج در زبان فارسی است؛ نمونه‌هایی از آن: خزائن (۱۵۰)، انفاس (۱۵۳)، علائق (۱۹۷)، سلاسل (۳۰۸)، احباب، اصحاب (۳۱۷)، اطوار (۳۱۸)، فضائل (۴۸۷)، افضل، فواصل (۴۸۸)، مشاعل، مداخل، منازل (۴۸۹)، اغیار (۷۲۷).

ترکیب وصفی مقلوب: در مجموع زبان شعری اهلی شیرازی ساده و روان است و ویژگی‌های غریب زبان کهن فارسی کمتر در آن دیده می‌شود. برای مثال، تعداد ترکیب‌های وصفی مقلوب در کلام او اندک است: سفالین ساغر (۱۲)، سست عهد (۶۷)، خودسر آدم (۳۹۱)، شوخ دیده (۴۰۰).

انواع «را»: انواع حرف «را» در کلام این شاعر دیده می‌شود:

الف) در معنای حرف اضافه

«برای»: کس را نبود این غم جانسوز که ما راست / وین غم همه زانست که کس را غم ما نیست (۳۰)
 «به»: دیدن گلزار رویت میدهد دل را صفا / تیره‌بخت آن کس کزین گلزار غافل می‌رود (۱۹۳)
 ب) فک اضافه: ما را همین جواب سلام است کام ازو / معراج ما بسست جواب سلام ازو (۳۶۶)
 ج) نشانه مفعول: حریف عربده‌جو را به کوی دوست فرست / که عشق بازش از آنجا خموش می‌آرد (۱۹۲)

انواع «ی»: انواع «ی» در کلام این شاعر دیده می‌شود:

الف) مصدری: خروش مرغ سحر زارتر بود اهلی / جراحی بتر از زخم مستمندی نیست (۳۴)
 ب) حاصل مصدری: بجز شکستگی عشق، تندرستی نیست بیا که تجربه کردیم و درد درمان است (۶۵)
 ج) نسبت: شب‌چراغ غم دل از در دلها طلبند / ورنه محمود چه کارش به در گلخنی است (۶۴)
 د) لیاقت: همه کس درد دل خود به طبیبان گفتند / قصه درد دل ماست که ناگفتنی است (همانجا)
 ه) نکره: آه از بتی که در دل سختش اثر نکرد / آهی که رخنه در جگر بیستون کند (۲۰۱)
 و) وحدت: خراب مستی آن عاشقم که در گامش / چو جرعه‌ای بفشانند، جان برافشانند (۱۵۹)

تعبیرات و اصطلاحات جدید و عامیانه: در کلام اهلی بواسطه زمان زیستنش، تعبیرات و اصطلاحات جدید و عامیانه دیده می‌شود؛ اما در مقایسه با معاصرانش، بسامد این موارد زیاد نیست. شاید دلیل آن پیروی او از سبک عراقی بجای سبک هندی باشد. مواردی از آن:

آب حیات اگر به سر کوی او رود / شاید که در زمین ز خجالت فرورود (۱۶۸)
 با چشمه دهانت آب خضر سرابی است / عیب است با تو گفتن حرفی که ته ندارد (۱۷۳)
 شکرین لعل لبش را سپه خط چو گرفت / چون مگس عاشق مسکین پس سر میخارد (۱۹۵)
 گل را رخ تو سوزد چون شمع رشته جان / گو لاله این فتیله بیرون ز گوش آرد (۱۹۸)
 بی روی تو منت ز گل لاله نبردیم / هرگز ز خسی گنده‌دماغی نکشیدیم (۲۸۵)
 به آرزوی تو خوشحال میتوان بودن / به یک نگاه تو صد سال میتوان بودن (۳۴۵)
 ای نوزال اگر تو درآیی به گشت شهر / خوبان شهر را همه شرمنده میکنی (۳۸۶)

ترکیبات بدیع و زیبا: اهلی گاه دست به ساخت ترکیبات زیبا زده و در کلام او مواردی یافت میشود که کمتر در سخنان دیگران شنیده و خواننده‌ایم:

شیرین لب‌ا چون اهلیم در تلخی غم بی لب‌ت / من خسرو عهدم ولی فرهاد وادی مسکنم (۲۹۵)
 زین شیوه خرابم که چو ساغر به تو دادم / دستم بگرفتی و چه یارانه گرفتی (۳۸۲)
 و نیز: ذره خورشیدشعاع (۶۶)، کافردلان (۱۹۷)، جگرچاک (۲۹۰)، خودفروش (۲۹۴)، دواپذیر (۳۰۱)، جور بدآموز (۳۰۳)، دل دشوارپسند (۳۰۴)، زخم دلگشا (۳۰۸)، سنگ دلشکنان (۳۱۰)، صفای خاک‌نشین (۳۱۴)، دل آلوده (۳۲۱)، سوخته داغ درون پرور عشق (۳۲۳)، عدم‌آباد (۲۹۳)، تنهاماندگان کنج غم (۳۳۶)، عشرت‌آباد چمن (۳۴۰)، نازک‌پسندی (۳۷۱)، کینه‌داری (۳۹۴).

سادگی و روانی زبان: از دیگر ویژگیهای شعر اهلی شیرازی، سادگی و روانی زبان آن است که گاه کلام سعدی را فرا یاد می‌آورد. به نمونه‌هایی از آن اشاره میشود:

ای روی دل‌افروز تو ماه همه خوبان / خوبان همه شاهند و تو شاه همه خوبان (۳۳۶)
 با همه لطف و با منت این همه ناز و سرکشی / با همه کس خوشی چرا با من خسته ناخوشی
 غیر مرا که سوختی، با همه ساختی به مهر / آب حیات مردمی، در نظر من آتشی (۴۰۱)
 از کفر و دین بری شده‌ام از برای تو / دنیا و آخرت همه کردم فدای تو (۳۶۱)
 گر به بتخانه درآیی و موافق باشی / به که در قبله کنی روی و منافق باشی (۴۱۰)

سطح ادبی

اهلی در سرودن انواع شعر دست داشته و سام میرزا در تذکره تحفه سامی در اینباره چنین نوشته است: «از اکثر سالکان مسلک سخنوری بوفور مهارت در شعر امتیاز تمام داشت. در علم قافیه و عروض و معما کامل بود و در جمیع اصناف شعر میگفت. مثنوی ذوبحیرین و تجنیس که عقل درو متحیر است...» (تحفه سامی: ص ۱۷۷). اشعار او شامل قصیده، غزل، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، قطعه، رباعی، و مثنوی است. در آتشکده آذر درباره او چنین آمده است: «مولانا اهلی سرآمد فصحای زمان و سردفتر بلغای سخن‌دانان در فنون شعر که در کمال مهارت قصاید مصنوع گفته...» (آتشکده آذر: ص ۲۰۴). برخی معتقدند سخن او تحت تأثیر کلام سعدی است: «دیوان اشعار او مسلم ارباب نظر و چاشنی شعر سعدی در کلام او مضمّن است» (مجالس المؤمنین، شوشتری: ۱۸۹). سبک شعر او را میتوان ادامه سبک عراقی دانست که از مضمون‌پردازیهای غریب و نازک‌خیالیهای سبک هندی اثری در آن نیست. در واقع او را میتوان جزو آخرین شاعران سبک عراقی دانست که سعی میکرد از زبان و اندیشه سبک عراقی و شعرای پیش از خود استفاده کند، اما در عین حال سخن تازه نیز بگوید و به اصطلاح گوی سبقت را از آنها برپاید (حسینی، ۱۳۹۲: ۵).

از سوی دیگر برخی شاعران را به رسم منتقدان غربی، میتوان بدون مکتب به شمار آورد؛ به دیگر سخن، نمیتوان ایشان را در تقسیم‌بندی خاصی گنجانند. شاید بتوان اهلی شیرازی را شاعر بی مکتب یا سرآغاز تغییر الگو در شعر فارسی برشمرد (پورمند، آزادبخت، و خزایی، ۱۳۹۹: ۲۳۸).

انواع ردیف: انواع ردیف اسمی، فعلی، حرفی، ضمیری، قیدی و ترکیبی در شعر اهلی وجود دارد اما بیشترین بسامد متعلق به ردیف فعلی و سپس ردیف ترکیبی است. به نمونه‌هایی از هر یک اشاره میشود.

اسمی: دست (۳۳)، عشق (۲۷۵)، عاشقان (۳۴۳)، برون (۳۴۴)، دیگران (۳۴۷)، گل (۴۸۴)، هلال (۴۸۹)، الله (۴۹۹)، شاه (۵۰۲)، خدا (۵۱۹)، حسین (۵۲۰)، کرم (۵۲۷).
 فعلی: درآ (۵)، بادا (۱۶)، کرده است (۲۸)، نداشت (۴۴)، برخاست (۴۷)، شکفت (۶۷)، نخیزد (۱۴۸)، رسیدیم (۳۱۱)، میدیدم (۳۲۱)، بستان (۳۴۹)، نداری (۴۰۴).
 حرفی: را (۵)، هم (۲۸۴).

ضمیری: ما (۵)، خود (۱۷۶)، خویشتن (۳۳۵)، من (۳۳۸)، او (۳۵۶)، تو (۳۵۶)، همه (۳۶۸)، هیچ (۵۴۴).
 قیدی: امشب (۲۷)، باز (۲۵۱)، هرگز (۲۵۳)، هنوز (۲۵۴).

ضمیر + حرف: ما را (۶)؛ او را (۲۱)؛ مرا (۲۴).

حرف + ضمیر: به من (۳۴۳)، از من (۳۴۵)، از تو (۳۵۵)، از او (۳۶۰).

حرف + اسم: چه باک (۲۷۵)، ز رشک (۲۷۶)، چه حاصل (۲۷۷)، از دل (۲۷۸).

ضمیر + فعل: ماست (۲۹)، من است (۳۱)، او کنید (۱۵۸)، تو بوسم (۲۹۴)، اوست (۵۲۵)، من شوی (۳۹۵).

حرف + فعل: چه خواهد شد (۱۵۵)، که میبینم (۳۰۳)، تا دانی (۵۲۶).

قید + فعل: هرگز نبود (۱۷۱).

فعل + قید: بود هنوز (۲۵۲)، آمد باز (۲۵۴).

فعل + ضمیر + حرف: خیزد مرا.

اسم + فعل: حاجت نیست (۳۰).

صفت + فعل: خوش است (۳۰)، باقی است (۳۱)، مشکل است (۶۳).

حرف + حرف + ضمیر + اسم: که با من است (۵۰)

انواع تشبیه: با وجود اینکه در شعر هلالی شیرازی انواع تشبیه وجود دارد اما تازگی و نوآوری در آنها دیده نمیشود. مشبه، مشبه‌به و وجه‌شبهه در تشبیهات او اغلب تشبیهات ساده هستند و سپس بیشترین بسامد به ترتیب متعلق به تشبیه بلیغ و فارسی است. در شعر او اغلب تشبیهات ساده هستند و سپس بیشترین بسامد به ترتیب متعلق به تشبیه بلیغ و تفضیل است. به شواهدی از هریک اشاره میشود.

تشبیه مفصل

چون لاله جگرچاک شدم، غرقه به خون هم از داغ درون سوختم از زخم برون هم (۲۹۰)

دلَم که در خم چوگان زلف توست چو گوی شکسته شد همه عمر و هنوز در خم اوست (۹۵)

تشبیه مفروق

شیرین‌دهنی چون قند و لعلی چون نبات گوی زنجی چون قطره آب حیات (۶۹۱)

ما کم چو هلالیم و تو چون ماه تمامی باشد که کمال تو ببیند کمی ما (۱۸)

تشبیه تفضیل

ای به خاطر صد غبار از رشگ تو آینه را کرده چاک از دست تو ماه منور سینه را (۲)

آهوی ختایی فکند نافه به صحرا گر بنگرد آن خال و خط مشک‌فشان را (۹)

تشبیه مضمَر

تشبیه مضمَر زلف به سلاسل: در چمن گر بوده‌ام در سایه سنبل به خواب / بی سر زلف تو گویا در سلاسل بوده‌ام

(۳۰۸)

تشبیه مضمّر گریه به سیلاب: در گریه گرم پا رود از جا عجیبی نیست / خاشاک‌صفت طاقت سیلاب ندارم (۳۱۷)
تشبیه مرکب

نه دل است اینکه دارم به تن ضعیف، اهلی / که به تار عنکبوتی مگسی به بند دارم (۳۲۱)
وه وه چه نازک میدمد گرد رخت خط سیه / بر گرد گل زین خوبتر ریحان نمی‌آید برون (۳۴۴)
تشبیه تمثیل

تو بدین جمال و خوبی دل تنگ نیست جایت / که فرشته کس مقید نکند به کنج زندان (۳۴۴)
کی دل سبک به اشک جگرگون کند کسی / دریا به قطره‌قطره تهی چون کند کسی؟ (۳۹۳)
تشبیه مقلوب

بس که صفاست بر رخس، چون نگرد بر آینه / آینه نیز بنگرد روی خود از صفای او (۳۵۶)
تشبیه حروفی

به که در راه محبت چو الف راست شوی / که در این ره به کجی راست نشد کار کسی (۳۸۴)
تشبیه بلیغ

گنج دل از خرابه می در کف آوریم / وین خاک تیره باز به باد عدم دهیم (۳۲۴)
و نیز: چراغ گمان، عنکبوت تن، رشته جان (۱)؛ آیینۀ ادراک (۲)؛ نخل مقصود، شاخ وصال (۷)، شعله شوق (۱۵)،
کوه بلا (۲۰)، مرغ نشاط (۳۱)، سنگ ندامت (۶۰)، سیل فتنه (۱۵۴)، زنجیر زلف (۲۹۱)، خرمن طاعت (۲۹۵)،
دوزخ هجران (۳۰۸)، گلشن وصل (۳۲۰)، مشعل آه (۳۲۱)، طوفان غم (۳۲۹)، ناوک طعنه (۳۳۰)، بحر فنا (۳۳۵)،
چراغ عقل (۳۳۹)، نسیم رحمت (۳۴۳)، الماس همت (۳۵۲)، گنج وفا (۳۵۳)، سبوی جسم، سنگ جفا (۳۷۵).
انواع استعاره: اهلی شیرازی از استعاره در مقایسه با تشبیه، بسیار کمتر بهره برده است و اغلب استعارات او
تکراری و تهی از خلاقیت و نوآوری است. ظاهراً او به مضمون‌سازی و تصویرپردازی اهمیت چندانی نمیداده است.
به شواهدی از هریک اشاره میشود.

استعاره مصرحه

شاه نجف که نقد وجودست در جهان / گنج وجود اوست جهان خراب را (۳)

استعاره از حضرت علی (ع)

ازین سراجۀ غم شاد کی شود اهلی؟ / مگر دری بگشاید از آن سرای مرا (۱۳)

استعاره از دنیا

آنکه رخ تابید و سنبل بر قفا افکند و رفت / صد هزاران دود دل گو در قفای خود ببین (۳۴۹)

استعاره از زلف

از خواب جامه چاک و پریشان برآمده / صبح قیامتش ز گریبان برآمده (۳۷۶)

استعاره از صورت سپید و روشن معشوق

استعاره مکنیه

تا کی از گریه گره بر لب فریاد ز نم / سوختم چند گره بیهده بر باد زخم (۲۹۳)

و نیز: پای مقصود (۸)، دست محنت (۳۲۴)، عنان دل (۳۴۰)، آستانه چشم (۳۴۲)، آستان وصل، دست هجر
(۳۷۹).

اضافه اقترانی: دست ارادت (۳۲۴)، اشک ندامت (۳۸۵)، چشم اعتبار (۴۰۳)

اضافه تلمیحی: مصر جمال (۳۴۶)، خضر سعادت (۴۸۷)، یوسف جان (۲۲)، نوح مکرم (۴۵۱).
کنایه: کنایه در سخن اهلی، اغلب از نوع ایما بوده و چیزی فراتر از کنایات بسیار رایج در زبان و ادبیات فارسی نیست.

ز آستانت همچو اهلی کی کنم پهلو تهی / هم مگر روزی اجل خالی کند جای مرا (۲۵)
 تا کی از گریه گره بر لب فریاد زخم / سوختم چند گره بیهده بر باد زخم (۲۹۳)
 از گوشه ابروی توام چشم گشادست / هر چند کمان تو کشیدن نتوانم (۳۰۳)
 روزه بگذشت و هوای می بیغش دارم / از مه عید و شفق نعل در آتش دارم (۳۱۵)
 نظر زان نوغزال ای دل به بیداری تو میپوشی / تو پنداری که بیداری ولی در خواب خرگوشی (۳۹۸)
انواع ایهام: در شعر اهلی انواع و اقسام ایهام وجود دارد و در مواردی او با تخلص خود و متضاد آن «وحشی» ایهاماتی را خلق و ارائه نموده است. بیشترین نوع ایهام در شعر او به ترتیب ایهام تناسب و ایهام مطلق است.
 ایهام مطلق: گرچه اهلی، آن لب شیرین چو فرهادم بکشت / تلخیی بردم ولی شهد شهادت یافتم (۲۹۳)
 دور از درت به تیغ نه از بهر جان شدم / اندیشه از ملال تو کردم از آن شدم (۲۹۵)
 ایهام تناسب: محبوب من چه حاجت گفتن بود که کیست / چون آفتاب بر همه روشن بود که کیست (۶۰)
 ای گل ز غم خویش یکی با تو چه گوید / درد دل عشاق هزارست یکی نیست (۶۱)
 دل با تو به گفتار و زبان با دگرانم / در دیده تو منظور و به مردم نگرانم (۲۹۷)
 ایهام ترادف: درین چمن که چو من صد هزار بلبل هست / یکی چو خویش اسیر قفس نمیبینم (۳۱۰)
 گرم به خلد ساقی تو بهشت‌رو نباشی / نه جمال حور و غلمان نه می مدام خواهم (۳۰۸)
 ایهام تضاد: من از گل‌های خون دل از آن رخساره تر دارم / که از دست رقیبت خارخاری در جگر دارم (۳۱۵)
 میرمد آهوی چشم مست او از مردمان / زان سبب اهلی چو مجنون، وحشی از مردم شده (۳۷۳)
 ایهام تبادر: بیم است که آید پری از شوق و بسوزد / پروانه صفت بر سر شمع چگل من (۳۴۱)
 من از آن رخ چو حورم به بهشت نقد، زاهد / تو به نسبه حور عین را طلب از قصور میکن (۳۴۷)
 ایهام در وجه شبهه (استخدام):

قلب روی اندوده را گر امتحان ز آتش کنی / جز سیه‌روی نباشد حاصل کردار ما (۱)
تلمیح: یکی از پربسامدترین صنایع بلاغی در شعر اهلی شیرازی، تلمیح است. او به مناسبت‌های گوناگون با استفاده از این فن ادبی، به مضمون‌سازی پرداخته و در بسیاری از موارد بنیاد تشبیهات و استعارات در سخن او، تلمیح است. تلمیح به انواع شخصیت‌های اساطیری، حماسی، عرفانی، دینی، عشقی و مانند آنها در شعر او دیده میشود.
 فریادرس تو باش که گر فتنه ره زند / کی ره توان به رستم و رویین‌تنش گرفت (۴۴۳)
 دل از متاع دهر ببر گر مجردی / عیسی شنیده‌ای که به یک سوزنش گرفت (همانجا)
 تا ابد از صورت شیرین لبان پرویزوار / دیده از حیرت ببندد خسرو افلاک را (۲)
 چو مدعی ببرد کف ز دیدن یوسف / نگاه کن که چه بر دل رسد زلیخا را (۱۰)
 گرچه بی دین و دل از عشق چو صنعان گشتیم / لله الحمد کز اقبال تو بی‌غم نشدیم (۳۱۲)
 در بیت زیر به نظر میرسد به عبارتی از بایزید بسطامی به شرح «به صحرا بیرون شدم. باران عشق باریده بود و زمین تر شده. چنانکه پای مرد به گلزار فروشود، پای من به گلزار عشق فروشد» (تذکره الاولیاء: ص ۱۸۰) اشاره دارد:

باران عشق آمد، پایم به گل فروشد / سیل بلا برآمد بنیاد جان برافتاد (۱۹۴)
 و البته در موارد معدودی نیز نگاه متفاوتی به وقایع تاریخی، مذهبی، حماسی و مانند آنها دارد:
 منصور هم از دار، نمایش غرضش بود / مردی که بپوشد هنر خویش ندیدیم (۳۲۶)
انواع جناس: جناس پربرسامترین صنعت لفظی در شعر اهلی است. او از انواع و اقسام جناس در شعرش برای ایجاد توازن و موسیقی بهره برده است که در این میان بیشترین بسامد متعلق به جناس ناقص اختلافی است. به نمونه‌هایی از هر یک اشاره میشود.

جناس ناقص افزایشی: چو بینم هر دمت با غیر، از غیرت خراب افتم / تو دست دیگری گیری و من در اضطراب افتم (۳۰۸)

و نیز: خط و خطا (۴۹۷)، نگاهی، گاهی (۶)، جان و جهان (۳۱)، حرام و حرم (۳۲)، زار، آزار (۴۸)، خار و خاره (۳۳۳)، سر و سرور (۳۴۶)، وفا و وفات (۳۴۷)، نظر و منظر (۳۶۵).

جناس ناقص اختلافی: یک پاره همه صبر و سکون را نتوان برد / یک پاره برای دل ما باز گذارید (۱۵۳)
 و نیز: ساقی، باقی (۳۱)، باغ و راغ (۶۲)، کمان و کمین (۲۸۴)، زبان و زیون (۲۹۰)، محال و مجال (۲۹۷)، حکایت و شکایت (۲۹۹)، نوش و نیش (۳۰۵)، بند و پند (۳۱۳)، سهی و تهی (۳۱۴)، همدمان و همزمان (۳۲۴)، گلخن و گلشن (۳۳۵).

جناس ناقص حرکتی: همه صاف عیش جویان من خاکسار از تو همه درد و داغ جویم، همه درد جام خواهم (۳۰۸)
 و نیز: حَلَق و حَلَق (۳۴۶).

جناس تام:

گر بر کنار من روان صد جوی باشد ز آب چشم / سرو روانی همچو تو کی در کنار آید مرا (۴)
عقدۀ زلف تو سررشته تقدیر من است / چه کنم عقدۀ گشایی نه به تدبیر من است (۳۱)
 بهر کام دل اگر بر جان نشانی نخل عشق / غیر بار دل عجب گر میوه‌ای بارش بود (۱۴۹)
 به دور سرو صنوبر خرامت ای دلبر / دلی کجاست مگر در صنوبری باشد (۱۵۰)
 جناس اشتقاق:

حریفان جمله محرم در حریم کعبۀ وصلش / من وامانده محرومم که پای آرزو لنگ است (۴۹)
 دل هر کس که قبول تو نشد مقبل نیست / حسن مقبول تو غیر از دل قابل نبرد (۱۸۹)
 جناس شبه‌اشتقاق

گرچه اهلی آن لب شیرین چو فرهادم بکشت / تلخیی بردم ولی شهد شهادت یافتم (۲۹۳)

واج‌آرایی

جان میدهد نشان که تو در دل نشستهای / زان دلنشین بود سخن دلنشان ما (۱)
 هر که بینی خوشی خود طلبد جز من زار / که بدین ناخوشی خویش عجب خوش دارم (۳۱۵)

تکرار

ما ذره‌ایم و ذات تو خورشید قدر و شأن / با قدر و شأن او چه بود قدر و شأن ما (۱)
 ای دلم آشنای تو همدم غیر من نشو / غیر کی آشنا شود هم دل آشنا طلب (۲۶)
 مردم بیدرد را از درد ما نبود خبر / آگه از درد دل ما غیر صاحب درد نیست (۴۵)
 تو میخواهی مراد و نامرادت دوست میخواهد / دلا چون این مراد اوست، با ما نامرادی کن (۳۳۹)

رد العجز علی الصدر

گر پارساست دلبر گو می منوش با کس / تا خون به جوش ناید رندان پارسا را (۲۳)
از ملامت کس نمیگردد چو مجنون گرد من / بس که من از هر طرف خار ملامت کاشتم (۳۰۳)
طرد و عکس

ای روی دل‌افروز تو ماه همه خوبان / خوبان همه شاهند و تو شاه همه خوبان (۳۳۶)

تنوع صناعات ادبی و فنون بلاغی؛ یکی از ویژگیهای شعر اهلی شیرازی

یکی از ویژگیهای شعر اهلی، تنوع به‌کارگیری فنون بلاغی است. او از انواع و اقسام صناعات ادبی در شعر خویش بهره برده است. در ادامه به نمونه‌هایی از آنها اشاره میشود:

اسلوب معادله

تا نگرودی آشنا در بحر عشقت راه نیست / گر نئی موسی، قدم در نیل نتوانی زدن (۳۴۰)

تجاهل العارف

ای که میگوی خرام قد خوبان دل برد / این خرامیدن که داد آن قامت چالاک را؟ (۲)
چه حسن است این زهی خوبی مگر خورشید و ماه است این؟ / چه عشق است این زهی محنت مگر قهر اله است
این؟ (۳۳۷)

حسن تعلیل

مه با تو برنیاید از آن رو هلال شد / یعنی که حلقه بر در درماندگی زده (۳۷۴)
در مصر اگر نه شور عزای حسین خاست / نیل از چه لب کبود عربوار کرده است (۴۲۷)
چرخ از شفق نه صاعقه در خرمنش گرفت / خون حسین تازه شد و دامنش گرفت (۴۴۲)

استثنای منقطع

غیر شمع از اهل مجلس کس دلش بر ما نسوخت / در دل خوبان نگیرد آه آشناک ما (۲۲)
بجز هلاک چو اهلی دوا ندارم هیچ / ز بس که از غم عشق تو دردناک شدم (۳۱۶)
من جز از سجده بت، راه به طاعت نبرم / کافری باشم اگر دانم و تقصیر کنم (۳۳۰)

حسن آمیزی

به خنده نمکین خون کند دل ریشم / شکرلیبی که کمال ملاحظت است او را (۱۱)
خواهم که شوی مست شکرخواب صبحی / در خواب مگر لعل شکرخای تو بوسم (۲۹۴)
و نیز: سخن تلخ (۳۳۸).

پارادوکس (متناقض‌نما)

شادم اگرچه خاطرمد اندوهگین ازوست / کم شادبست این که دل من غمین ازوست (۳۳)
 روشنترست شام من از صبح دیگران / وین روشنائیم ز رخ همچو ماه توست (۵۰)
 بجز شکستگی عشق، تندرستی نیست / بیا که تجربه کردیم و درد درمان است (۶۵)
 تا نیست می از خود خبرم نیست که هستم / من هوش ندارم مگر آن لحظه که مستم (۳۱۸)

مراعات نظیر

دل من ز ششدر غم نشدش گشاد هرگز / که چو کعبتین هر سو ز پی مراد گشتم (۲۸۷)
 ز تیر غمزه که تاب آرد ای کمان ابرو / دو چشم ترک تو در خانه کمان دیدن (۳۳۸)

تنسیق الصفات

با چون تو شوخی، سروقد، عاشق کش و طناز هم / گل را نزیبد نازکی، سرو سهی را ناز هم (۳۰۷)
 خوش آنکه همنفس یار خویشتن بودم / رفیق و همدم و همراز و همسخن بودم (۳۲۵)

تضاد

نیکی ما اندک و زشتی ما بسیار لیک / پیش احسانت چه سنجد اندک و بسیار ما (۱)
 تا چشم زنی، روز وصال شب هجرست / این کوتاهی روز، درازی شبش بین (۳۳۹)

التفات: در موارد متعددی، اهلی از خود مانند شخص غایب یاد میکند:

گرچه چون اهلی نگردم هرگز از وصل تو شاد / زینقدر شادم که میگویم تو دلدار منی (۳۹۲)
 قصه کوتاه کن شهید عشق شو اهلی چو من / تا کی از فرهاد و مجنون قصه خوانیها کنی (۴۰۱)
 گرچه درویشم چو اهلی، گنج مهر اهل بیت / با وجود فقرم از عالم توانگر ساخته (۵۰۲)

در مجموع آمارها نشان میدهد تشبیه (با ۵۲ درصد) بالاترین جایگاه را در میان صور بیانی در شعر اهلی داراست و استعاره (با ۲۴ درصد) در رتبه بعدی، کنایه (با ۲ درصد) در مکان سوم و مجاز (با ۴ درصد) در مکان چهارم واقع شده‌اند. از میان تشبیهات، تشبیه بلیغ (بصورت اضافی و غیراضافی) با چهار درصد از کل تشبیهات، در قسمت استعاره، استعاره مصرحه مجردة با ۲۵ درصد از مجموع استعاره‌ها، و در بخش کنایه، کنایه از فعل با چهار درصد از مجموع کنایات در صدر قرار میگیرند.

نقاط ضعف و قوت شاعر

اهلی در سرودن انواع شعر استاد بود. او خود را شیفته حافظ معرفی میکند؛ با این حال تأثیر دیگر استادان گذشته در شعر او بسیار بیشتر از حافظ است. همچنین غزلیات بسیار لطیف او به سبک سعدی است. نیز تعدادی از غزلیات به شیوه وقوعی او در وزن و قافیه با غزلیات بابا فغانی شیرازی، شاعر بسیار مشهور اواخر عصر تیموری و اوایل عصر صفوی، مشترک است؛ اما با توجه به همسن و معاصر بودن این دو و همترازیشان در درجه استادی، بدرستی نمیتوان حکم کرد که تأثیر از کدام سو بوده و تأثر از کدام سو. اهلی در قصیده‌سرایی نیز پیرو استادان بزرگ گذشته است، بویژه در قصاید مصنوع که از سلمان ساوجی الگو میگیرد. با وجود این اشاره به این نکته ضروری است که با ظهور شاعران غزلسرا در قرن هفتم و هشتم، مضامین، زبان و شیوه بیان غزل به اوج کمال خود رسید و فراتر از آنچه مولوی و سعدی و حافظ گفته بودند امکان نداشت. به همین دلیل با وجود اینکه شاعران

شیرین‌سخن بزرگی همچون بابا فغانی، اهلی شیرازی، عرفی و دیگران ظهور کردند، شعرشان تازگی چندانی نداشت و نتوانستند اعتباری شایسته حاصل کنند. تلاش آنها در پیدا کردن مضمونهای تازه و روی‌آوری به تفننهای شاعری از جمله معما، لغز، ماده تاریخ و قصاید مصنوع یا مثنویهای پرتکلف نیز نتوانست برای آنها اقبال خاصی به همراه داشته باشد. اگرهم در زمان خود شاعران اقبال عمومی حاصل میشده است، به دلیل سطحی بودن و طبق سلیقه‌ زمانه بودن، دیری نپاییده و رو به افول گذاشته که اکنون اثری از آن نیست.

سطح فکری

یکی از دغدغه‌ها و تعلقات ذهنی اهلی شیرازی در سرایش شعر، مضامین شیعی و منقبت ائمه اطهار است. تقریباً او در وصف تمامی امامان شیعه شعری سروده است. باوجوداین مضمون اصلی در دیوان شعر او «عشق» است؛ همان عشقی که در مکتب عراقی میان عاشق و معشوق در جریان است. عاشق نگونبخت، بی‌بهره از وصال، در دوری معشوق به سر میبرد و به کمترین نگاه و اشاره‌ای از سوی معشوق قانع و دلخوش است. معشوق اما سرکش، بی‌اعتنا و بیرحم است و بصورت پیشفرض مذکر است و نوجوانی ساده‌رو. او بارها به لفظ «پسر» با صراحت اشاره میکند:

از نرگس تویم نظری ای پسر بس است / چشمی به من فکن که مرا یک نظر بس است (۴۲)

حسن تو پسر گر شدی از روز ازل فاش / بی عشق کس از مادر ایام نزادی (۴۰۴)

مضامین قلندری و ملامتی نیز بخش دیگری از اشعار او را در بر میگیرد. در ادامه به مهمترین اندیشه‌ها و عقایدی که در اشعار او دیده میشود، میپردازیم.

تضمین و تلمیح به آیات قرآن: اهلی شیرازی شاعری است که بسیار به مضامین دینی و مذهبی اشاره کرده است. این اشارات بصورت تلمیح، تضمین یا اقتباس ارائه شده است. اهلی با تسلطی که به قرآن کریم داشته، بخوبی و هنرمندانه مضامین آیات قرآن کریم را به شیوه‌های گوناگونی فراخوانی نموده است و بیشترین شیوه‌های تأثیرپذیری وی از قرآن کریم در دیوان او به شیوه اقتباس و تلمیح است و این شناخت کافی و وافی شاعر از قرآن کریم و آموزه‌های دینی را میرساند. در ادامه نمونه‌هایی از این موارد ذکر میشود.

وقت دعا طمع نکنم کای فلک مرا / سیر از نعیم خلد به نعم الثواب کن (۴۹۸)

که اشاره دارد به آیه ۳۱ سوره کهف: «أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُخَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَعًا».

او در مدح شخصی به نام «یعقوب خان» چنین سروده است:

کوکب اوج شرف یعقوب خان کز ظل حق / پایه معراج سبحان الذی أُسرى گرفت (۴۳۵)

که عبارت مشخص شده اقتباس است از آیه «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (اسراء/۱).

اهلی در مدح حضرت علی (ع) با اشاره به بخشی از آیه ۵۴ آل عمران چنین سروده است:

هر کجا بستند ز مکر و مشورت ناحق ز تو / مکر حق جانش ستد والله خیر الماکرین

«ومكروا ومكرالله والله خير الماكرين» (آل عمران: ۵۴).

او در تلمیح به داستان معراج پیامبر اسلام (ص) و مقایسه آن با ماجرای موسی (ع) و کوه طور، چنین سروده است:

معراج رسول و قاب قوسین بین / پس موسی و نور و خلع نعلین

معراج کجا و پایه‌ طور کجا / این نسبت دوزخ است مابین ببین (۷۵۰)
 در جایی دیگر برای بیان فضل و برتری خود نسبت به دیگران، به مقایسه موسی و سامری پرداخته است:
 خودستایی عیب درویشان بود / لیک اگر پرسی ز فضل اندوزیم
 سامری در پیش من گوساله‌ای است کز ید بیضاست سحرآموزیم (۵۵۲)
 اهلی در جایی دیگر با تلمیح به ماجرای تجلی خداوند بر کوه طور، به بیان مضامین عارفانه پرداخته و طور را به فنا تشبیه میکند:

در طور فنا چو موسی از خود بگسل / مستانه عنان هستی از دست بهل
 تا از شجره طیبه وادی عشق / فریاد انا الله زند از آتش دل (۷۴۱)

ارادت به ائمه اطهار و خاندان معصومین (ع): بخشی از مضامین دیوان اشعار اهلی شیرازی به منقبت امامان معصوم و خاندان ایشان اختصاص دارد و شاعر به مناسبت‌های گوناگون به یادکرد آنها پرداخته است. در دیوان او بیش از هفتاد قصیده با این موضوع وجود دارد که به نمونه‌هایی از ابیات آنها اشاره میشود:
 او در مورد حضرت شاهچراغ چنین سروده است:

آن که خاک آستانش کعبه صدق و صفاست / سید سادات عالم احمد موسی‌الرضاست (۴۴۰)
 احمدبن موسی بن جعفر بن باقری / کز علی بن حسین بن علی مرتضاست (۴۴۱)

اهلی در قصایدی با مطلعهای زیر، به مدح و منقبت امام علی (ع) روی آورده است:

ای جان همه جانها، روح‌القدس گویا / پنهان ز نظر اما در دیده‌ جان پیدا (۴۲۰)

شاه نجف که هر دو جهان در پناه اوست / هر جا سری که هست همه خاک راه اوست (۴۲۵)

اشاره اهلی شیرازی به حضرت علی (ع) در اشعار او فراوان است (ر.ک: دیوان اشعار اهلی شیرازی: ۴۲۷، ۴۴۱، ۵۰۰، ۵۰۹ و ..).

در ادامه ابیاتی از این شاعر ذکر میشود که در مدح و منقبت پیامبر اسلام و سایر ائمه اطهار سروده شده است:

ما را چراغ دیده خیال محمد است / خرم دلی که مست وصال محمد است (۴۲۴)

الهی به مهدی صاحب زمان کو / به برهان قاطع بود حجت الله (۴۹۹)

تن خاک کن به مهر حسین و به باد ده / هر ذره خاک را شرف آفتاب کن (۴۹۷)

چهره مقصور چون زیر نقاب عسگری است / مشرق و مغرب منور ز آفتاب عسگری است (۵۲۲)

گر فلک واقف شدی از تلخی کام حسن / آنچنان زهری کجا میریخت در کام حسن (۵۲۰)

انعکاس حوادث واقعه کربلا: اهلی شیرازی یکی از موفقترین شاعران شیعه است که بخش مهمی از اشعارش تحت تأثیر اندیشه و تفکرات شیعی سروده شده است. در این میان او به توصیف وقایع کربلا توجه ویژه‌ای داشته و به ابعاد گوناگون این واقعه پرداخته است.

این نقد دل نثار شهیدان کربلا / چون خاک رهگذار شهیدان کربلا (۴۲۳)

ای دیده! سیل اشک روان کن که درد آب / جان حسین خسته و بیمار کرده است (۴۲۹)

آمد عشور و خاطر افکار کرده است / درد حسین در دل ما کار کرده است (۴۲۸)

آغشته شد به خون سر و فرقی که موی او / خون در درون نافه تاتار کرده است (همانجا)

حلق حسین میبرد تیزی تیغ بی‌امان / جان حسین همی گزد تلخی زهر جانگزا (۴۲۲)

ناوک زندند بر دل طفلی که از عطش / پیکان آبدار به مرهم گرفته است (۴۳۰)

مضامین قلندری: در بخشی از اشعار دیوان شاعر، مضامین قلندرانه و ملامتی دیده می‌شود. تعداد این ابیات در مقایسه با سایر مضامین، قابل توجه نیست، اما بُعد دیگری از شخصیت اهلی را به نمایش می‌گذارد. او در این میان به مباحثی مانند خوشباشی، آزادگی و عدم وابستگی به تعلقات دنیوی، رندی، شرابنوشی و خرقه‌شویی می‌پردازد.

رهزن نقد حیات جز غم و اندیشه نیست / می خور و در کنج دل ره مده اندیشه را (۱۵)

بنده خوبان ز ناز هر دو کون آزاده است / هر که عاقل بود در کوی بتان خود را فروخت (۳۵)

رندی از شاه و گدا در کوی خوبان عیب نیست / خوش بود افتادگی و نیستی از هر که هست (۴۳)

پیری به سال نیست به معنی بود یقین / پیرم من و مرید شراب دوساله‌ام (۲۸۶)

در صف می‌کده سجاده ننگ‌جد ای شیخ / بفکن این بار غم از دوش و سبکیار نشین (۳۴۸)

می خور که در سرای جهان نیست محکمی / باد است چون حباب درین خانه خرمی (۴۰۲)

اشعار سگ‌بیه: یکی دیگر از مضامین پرتکرار در شعر اهلی شیرازی، اشعار مشهور به «سگ‌بیه» است. در قرن نهم هجری و عهد شاه‌شاه اشعاری به وجود آمد که در آنها عاشق موجودی محروم و بدبخت است، بطوری که آرزو میکند تا سگ کوی عشق یا معاشر آن باشد (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۴۸). اینکه شاعر خود را «سگ» کوی معشوق خطاب میکند، نشانه اوج خاکساری او در برابر معشوق و نیاز به کمترین مصاحبت و معاشرت با اوست. اهلی بارها و بارها خود را سگ معشوق نامیده و به سگان کوی یار حسادت کرده است:

من چون سگ کوی توأم خواهی بخوان خواهی بران / کز خشم اگر رانی گهی از لطف بازآری مرا (۱۲)

از سگان کوی او اهلی چو قدر خود شناخت / شرم میدارد که خود را داخل مردم کند (۱۵۳)

گر سگ خود شمرد آن بت ترسایچه‌ام / کافرم گر دو جهان را به شماری گیرم (۲۸۳)

شبه‌ها چون سگان در طلبت دربر افتم / چون روز شود سر بنهم بیخبر افتم (۲۸۹)

تو پادشاه خوبان، من کمترین سگ تو / گر پیش خود نخوانی باری ز در مرانم (۲۹۱)

آخر سگ توایم چرا از آستان وصل / ما را به سنگ تفرقه مهجور کرده‌ای (۳۷۹)

فقر و تنگدستی: یکی از مضامینی که در دیوان اشعار اهلی تکرار شده است، شکایت از نداری و فقر است؛ تا جایی که در برخی تذکرها وضعیت مالی او را نامطلوب دانسته‌اند. برای نمونه او در قصیده‌ای در مدح معزالدوله می‌گوید:

به جان آصف دوران که این گدا چون مور / به خانه نیست جوی آذق زمستانش

به روزگار بگو کاین فقیر سرگردان / غلام ماست ازین بیشتر مرجاننش (۴۷۹)

و در جایی دیگر چنین می‌سراید:

ای نجم سعادت اثر ای کوکب مسعود / بر اهلی مسکین فکن از لطف نگاهی

خواهند جو و کاه خران از من درویش / با آنکه به دستم نبود برگ گیاهی (۵۵۷)

یکی را جهان میدهی سر به سر / یکی را جوی نیست چندانکه زیست

یکی قاف تا قاف خوان میکشد / یکی بهر یک لقمه نان خون گریست (۵۴۲)

نتیجه‌گیری

اهلی شیرازی از شاعران قرن نهم و دهم هجری است که در شیراز متولد شد. از او آثار متعددی به نظم موجود است که دیوان شعر او با حدود بیت یکی از مهمترین آثار اوست. در زمانه اهلی، سبک هندی در حال نضج و

شکلگیری بود و هنوز به قوام نرسیده بود. شاید از این است که شعر اهل‌ی بیش از هر سبک و مکتبی، به سبک عراقی نزدیک و شبیه است. زبان شعری اهل‌ی ساده و روان است و ویژگیهای زبان کهن فارسی، بندرت در آن دیده میشود: مواردی مانند رای فک اضافه، جهش ضمیر، حرف «ب» بر سر فعل ماضی. همچنین از کلمات عربی ثقیل و غیررایج در زبان فارسی، در شعر اهل‌ی خبری نیست. از نظر ادبی تشبیه بویژه تشبیه مفصل، تشبیه بلیغ و تشبیه تفضیل به ترتیب پربسامدترین فنون بلاغی در کلام اوست. در بخش صنایع لفظی نیز انواع جناس و واج‌آرایی در صدر قرار دارند. دیگر ویژگی شعر اهل‌ی در لایه ادبی، تنوع به‌کارگیری فنون بلاغی است. او از صناعاتی مانند تضاد، پارادوکس، اسلوب معادله، حسن تعلیل، حسن آمیزی، تنسیق الصفات، التفتات، و تجاهل‌العارف بهره برده است. از نظر فکری نیز دیوان او دارای تنوع و گونه‌گونی است. باوجود این «عشق» اصلیت‌ترین بنمایه او بویژه در غزلیات است. عشقی که او از آن سخن میگوید کاملاً مرتبط و منطبق با ویژگیها و خصوصیات عشق در سبک عراقی است. گاه نیز مضامین عرفان قلندری در اشعار او دیده میشود که بسامد قابل توجهی ندارد، اما گویای بُعدی دیگر از شخصیت و اندیشه‌های اوست. او در رباعیاتش به اندیشه خیامی نزدیک شده و به کوتاهی دنیا، اغتنام فرصت و شادباشی تأکید میورزد. یکی از وجوه مهم شعر اهل‌ی، پرداختن به مضامین شیعی و مدح و منقبت امامان شیعه و یا سرودن مرثیه برای آنها بویژه در سوگ امام حسین (ع) و وقایع کربلاست. او ترکیب‌بندی دارد که در آن به ترتیب پیامبر اسلام (ص) و تمامی امامان دوازده‌گانه را ستایش نموده است. همچنین اشعاری با ردیفهای «یا علی»، «اسدالله»، «شهیدان کربلا» و «اهل بیت» گواه این مدعاست.

در مجموع میتوان گفت شعر اهل‌ی شیرازی از حیث پرداختن به موضوعات و مضامین مختلف از عشق زمینی و معشوق مذکر گرفته تا اشعار سگیه، عرفان قلندری و مضامین مذهبی و شیعی و حوادث کربلا، قابل توجه است. همچنین زبان ساده و بلاغت واضح و به‌دور از پیچیدگی نیز از دیگر ویژگیهای سبک شعری اوست.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان استخراج شده است. آقای دکتر عبدالرضا مدرس‌زاده راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم پروانه بادینلو بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر اصغر دادبه به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق

کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ahli Shirazi, Mohammad ibn Yusuf. (1965). *Divan of Poems*, edited and edited by Hamed Rabbani, Tehran: Sanaei.
- Attar Neishabouri, Fariduddin. (2017). *Tazkereh al-Awliya*, edited by Mohammad Reza Shafiei Kadkani, Tehran: Sokhan.
- Azar Bigdeli, Lotf Ali Beyg. (1957). *Azar fire temple*, edited by Hassan Sadat Naseri, Tehran: Amir Kabir.
- Forsat Shirazi, Mohammad Nasir. (1998). *Asar al-Ajam*, edited by Mansour Rastgar Fasaie, Tehran: AmirKabir.
- Hosseini, Seyyed Mehdi. (2012). "The position of Ahli Shirazi in the stylistic developments of the Timurid era" *Master's thesis*, Hamedan: Buali Sina University.
- Pourmand, Hasan Ali, Azadbakht, Majid and Khazaei, Mohammad. (2018). "Change of model in the poetry and painting of the Safavid era based on Ahli Shirazi's poems and Reza Abbasi's paintings" *Persian Literature*, (1) 10, pp. 231-249.
- Safavi, Sam Mirza. (2005). *Tazkereh Tohfeh Sami*, corrected by Ruknuddin Homayun Farrokh, Tehran: Asatir.
- Shamisa, Siroos. (2001). *Ghazal course in Persian poetry*, Tehran: Ferdous.
- Shushtri, Nurullah. (1376 AH). *Majlis-ul-Momenin*, Tehran: Islamia bookstore.

فهرست منابع فارسی

- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ (۱۳۳۶)، آتشکده آذر، تصحیح حسن سادات ناصری، تهران: امیرکبیر.
- اهلی شیرازی، محمد بن یوسف (۱۳۴۴)، دیوان اشعار، به اهتمام و تصحیح حامد ربانی، تهران: سنایی.
- پورمند، حسنعلی، آزادبخت، مجید و خزایی، محمد (۱۳۹۹) «تغییر الگو در شعر و نقاشی عصر صفوی با تکیه بر اشعار اهلی شیرازی و نگاره‌های رضا عباسی» ادب فارسی، (۱) ۱۰، صص ۲۳۱-۲۴۹.
- حسینی، سیدمهدی (۱۳۹۲) «جایگاه اهلی شیرازی در تحولات سبکی عصر تیموری» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۰) سیر غزل در شعر فارسی، تهران: فردوس.
- شوشتری، نورالله (۱۳۷۶ق) مجالس المؤمنین، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۹۷) تذکرة الاولیاء، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- صفوی، سام میرزا (۱۳۸۴) تذکرة تحفه سامی، تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر.
- فرصت شیرازی، محمدنصیر (۱۳۷۷) آثار عجم، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.

معرفی نویسندگان

پروانه بادینلو: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.
(Email: pbadinloo@gmail.com)

عبدالرضا مدرس‌زاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.
(نویسنده مسئول: Email: A.Modarres@iaukashan.ac.ir)

اصغر دادبه: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.
(Email: asqardadbeh@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Parvaneh Badinloo: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

(Email: pbadinloo@gmail.com)

Abdolreza Modareszadeh: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

(Email: A.Modarres@iaukashan.ac.ir: Responsible author)

Asgar Dadbeh: Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran; Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

(Email: asqardadbeh@gmail.com)